

کارگاه علمی - پژوهشی «نیمروز با تاریخ شفاهی»، سه‌شنبه دوازدهم آذر ۱۳۹۸، با سخنرانی «دکتر مرتضی نورایی» و «دکتر معصومه گودرزی»، به همت انجمن تاریخ محلی ایرانیان و گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان، در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه برگزار شد.

مشارکت تاریخی؛ مقدمه مشارکت اجتماعی

دکتر نورایی در آغاز این نشست، درباره اهمیت «تاریخ‌درمانی» سخن گفت و افزود: «اصطلاح تاریخ‌درمانی یا "HISTORY THERAPY" اولین بار در کتاب «دون کیشوت» نوشته سروانتس به کار برده شده است. ممکن است در جامعه ندانیم مشکل از کجاست، اما تشخیص می‌دهیم که حالمان خوب نیست. همین تشخیص‌ها موجب ایجاد دپارتمان‌های مختلف تاریخ‌نگاری شده و از اتفاق، تاریخ شفاهی یکی از شق‌های تاریخ‌درمانی بسیار موثر است. یکی از حیطة‌هایی که مورد توجه مورخان این دوره قرار گرفت، این بود که غایبین تاریخ، چه کسانی هستند؟ در نهایت متوجه شدند که فضاهایی در سنت قدیم و سنت مدرن تاریخ‌نگاری وجود دارد که به آن پرداخته نشده، که به این فضاها در اصطلاح، «جهان‌های گمشده» می‌گویند. جهان‌های گمشده به این معنی است که اگر ما از آن خبر نداریم، به معنای عدم وجود آن نیست. برای مثال، اگر از شما بخواهم زندگی‌تان را نقل کنید، خیلی از قسمت‌هایش را به یاد نمی‌آورید. آیا این قسمت‌ها جزو عمر شما نیست؟ ما به عنوان مورخان عادل، باید توجه داشته باشیم که در توزیع تاریخ‌نگاری، به جهان‌های گمشده هم بپردازیم. مورخان دهه ۶۰، سه طیف کارگران، زنان و بی‌سوادان را جزو غایبین تاریخ دانستند. این سه سطح وسیع، شامل جهان‌های گمشده‌ای شدند که از اتفاق، بخش اعظمی از دنیای ما بوده و هستند. نکته دیگری که مطرح شد، این بود که پرسروصداترین قشر تاریخ که بقیه اقشار را هم تحت شعاع قرار دادند و همیشه ثبت شده‌اند، «سیاستمداران» هستند. قسمتی خودشان حکومت کردند، نوشتند و نوشته شدند. قسمتی هم مستندات تاریخی تولید کردند؛ پس هم نویسنده‌اند و هم نوشته شده‌اند. وقتی شما آزادی و دموکراسی را در حوزه تاریخ دارید، به این معناست که تاریخ‌نگاری در همه طبقات اجتماعی و جوانب مختلف و جهان‌های گمشده، باید حضور داشته باشد. همه باید در تاریخ، حاضر باشند. پس فلسفه وجودی تاریخ شفاهی این بود. آلن نویز، با سربازان جنگ جهانی مصاحبه کرد؛ نه با فرماندهان ارتش، چون مکالمات و دستورات فرماندهان ارتش، در کاغذها ثبت و نوشته می‌شد و با خبرنگاران مصاحبه می‌کردند. اما پایه اصلی هر جنگ، بر قاعده آن جامعه است. در جامعه‌ای که اندیشه دموکراسی وجود دارد، اگر قاعده آن جامعه دیده نشود و مشارکت اجتماعی کم باشد، منجر به شکاف اجتماعی خواهد شد. مشارکت تاریخی، مقدمه مشارکت اجتماعی است. حضور در گذشته برای ما مورخان، به معنای فعال بودن در آینده است. جوامع هم از دهه ۶۰ تا ۸۰ الگو گرفتند تا گوشه و کنار جامعه برای برنامه‌ریزی آینده، حضور فعال داشته باشند. به همین خاطر، برای تاریخ شفاهی دو عنوان در نظر گرفته شده: یکی «تاریخ زنده» و دیگری «تاریخ آینده».



تفاوت‌های خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی

این استاد تاریخ دانشگاه اصفهان، در باب مصاحبه فعال در تاریخ شفاهی گفت: «پایه تاریخ شفاهی، بر مبنای مصاحبه است. پس آن مصاحبه، خاص است و به همین دلیل به آن مصاحبه فعال گفته می‌شود. مصاحبه فعال به این معناست که مصاحبه‌گر در روند مصاحبه، به راوی کمک می‌کند تا مطالب و خاطرات را به یاد بیاورد. پس مصاحبه‌کننده هم باید اِشرافِ نسبی به موضوع مدنظر داشته باشد. بنابراین یک همراهی و همکاری، بین مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده صورت می‌گیرد که این همکاری و همراهی، با نوع مصاحبه خبرنگاران، جامعه‌شناسان، روانشناسان و مردم‌شناسان، متفاوت است. مردم‌شناسان، مبتنی بر نقل سینه به سینه مصاحبه می‌کنند. فرق بین تاریخی و غیرتاریخی بودن واقعه، این است که باید مبدع داشته باشد. راوی شما می‌تواند، شاهد اتفاق بوده باشد؛ یا اینکه به واسطه یک یا دو نفر شنیده باشد. بیشتر از این تعداد، تبدیل به روایت می‌شود. عمق تاریخ شفاهی، معاصر است و به همین دلیل به آن تاریخ زنده می‌گویند. بعضی هم به آن "immediate history" یا تاریخ بلاواسطه می‌گویند. می‌دانیم که محور خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی، روی ذهنیت اشخاص است. خاطره‌نگاری ممکن است، خودنگار یا دیگرنگار باشد. یعنی شما، خاطرات خودتان را بنویسید یا برای کسی املا کنید تا بنویسد. در این قسمت ممکن است، مصاحبه‌کننده درباره خاطرات یک شخص مصاحبه کند. پس خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی، تقریباً به همکاری هم می‌آیند. در خاطره‌نگاری، روزنگار و دیرنگار داریم. دیرنگاری شامل هفته‌نگاری، ماه‌نگاری یا سال‌نگاری و بعضی وقت‌ها، گاه‌نگاری می‌شود. سؤال این است که خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی چه تفاوتی با هم دارند؟ یکی از مسائل غامض ما، این است که یک سری در مصاحبه‌هایشان، دست به خاطره‌نگاری می‌زنند و تحت عنوان تاریخ شفاهی می‌فروشند. این یکی از آسیب‌شناسی‌های تاریخ شفاهی در ایران است. آماده‌سازی یک اثر تاریخ شفاهی به طور متوسط، یک سال و نیم زمان نیاز دارد. اولاً تاریخ از یک منظر، علمی است بر پایه تجربه جمعی. آن چیزی به عنوان تاریخ تلقی می‌شود که گروهی در آن درگیر باشند. اگر

اجتماعی در باب یک مطلبی درگیر باشند، تجربه تاریخی می‌شود. در حالی که ما معتقدیم، کار ما در مصاحبه تاریخ شفاهی، باید تولید تجربه جمعی باشد ولی در خاطره‌نگاری، تجربه فردی است. روایت در خاطره‌نگاری، خطی است. یعنی یک توالی معین دارد که خودِ شخص می‌گوید. این خط بر اساس زمان‌بندی است. پس یک روال در خاطره‌نگاری، حفظ می‌شود. اما در تاریخ شفاهی، تجربه شخصی باید تبدیل به تجربه جمعی شود. روایت تاریخ شفاهی، شبکه‌ای است و ساختمان آن تاریخ‌شناسی و یکی از مؤلفه‌های آن است. موضوعی و پدیده‌های متعددی در آن ساختمان داریم. در ساختمان خاطره‌نگاری، تاریخ‌شناسی است که بعضی وقت‌ها موضوع آن تعریف می‌شود. اما نوع روایت شفاهی، شبکه‌ای و متعدد است. وقتی سؤالات متعدد می‌پرسید، بحث خاطره‌نگاری را تبدیل به خاطره‌نگاری چالشی می‌کنید. این چالش، شما را به سمت تاریخ شفاهی می‌برد. در خاطره‌نگاری، اشخاص هر چه دلشان بخواهد می‌گویند. اما در تاریخ شفاهی، صحبت‌های راوی را با تکیه بر سند، عکس و فیلم، به سمت مستندسازی می‌برید. دقیقاً همه فازهای مصاحبه را مستند می‌کنید. با استفاده از اسناد موجود، به مصاحبه‌شونده کمک می‌کنیم که راحت‌تر فکر کند.»

اخلاقیات در تاریخ شفاهی / «سند شفاهی» یا «شواهد شفاهی»

دکتر مرتضی نورایی، در ادامه کارگاه علمی - پژوهشی «نیمروز با تاریخ شفاهی» به تشریح نکات اخلاقی در این حوزه پرداخت و تصریح کرد: «در مصاحبه تاریخ شفاهی، کار شما مچ‌گیری نیست. شما اجازه انتشار هیچ کلمه و حرفی از مصاحبه، بدون اجازه مصاحبه‌شونده را ندارید. یک‌سری اخلاقیات و مسائل حقوقی در این زمینه وجود دارد. تا زمانی که مصاحبه‌شونده به شما اجازه ندهد، حق هیچ‌گونه استفاده از مصاحبه را ندارید. ممکن است، برخی بگویند که مصاحبه را ۵۰ سال بعد فوت‌م منتشر کنید. همان‌طور که گفتیم، تاریخ شفاهی حاصل تجربه جمعی است. حالا چگونه به این تجربه جمعی دست پیدا کنیم؟ یک فن در مصاحبه تاریخ شفاهی، این است که از مصاحبه‌شونده، نام افرادی را می‌گیریم که در آن واقعه حاضر بوده یا در آن کار، با او همکاری داشته‌اند. شاید برای شما این سؤال پیش بیاید که آیا می‌توان به مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، لقب سند شفاهی داد؟ این بحث مهمی میان مورخان شفاهی است که اکثریت، معتقدند که «سند شفاهی» نداریم؛ بلکه «شواهد شفاهی» داریم. دلیل عمده این است که اگر ما با یک شخص مصاحبه کنیم و شخص دیگری با همان فرد مصاحبه کند، بی‌شک یک‌طور دیگر پاسخ خواهد داد. خیلی وقت‌ها پیش آمده که مصاحبه‌شونده گفته است که من این حرف‌ها را نزده‌ام. ممکن است در مصاحبه، اصلاحاتی صورت بگیرد و اتفاقی رخ دهد. «سند» به پدیده‌ای گفته می‌شود که دخل و تصرفی در آن نشود. ولی اگر مصاحبه‌شونده بخواهد مصاحبه را تصحیح کند، باید مسیر دیگری طی کند و سند دیگری تولید شود. اما در بحث تاریخ شفاهی، افراد روی مصاحبه‌ها ادعا دارند. بسیاری معتقدند، تا زمانی که راوی زنده است، لقب سند شفاهی نمی‌گیرد. پس اگر در کتاب بنویسیم بر اساس اسناد شفاهی؛ این غلط مصطلحی است. در شواهد شفاهی، ادعایی روی مستندات وجود دارد و به همین دلیل، قطعیتی روی آن نداریم. به قول ارسطو، از هر چیزی بیش از ذات آن، نباید انتظار داشت. ذات تاریخ شفاهی، به تاریخ وابسته است. ذات تاریخ شفاهی این است که به سمت تقویم و محکم‌سازی تاریخ اصلی، پیش می‌رود؛ یعنی وجود مستقلی ندارد. وقتی می‌توانیم بگوییم این پدیده تاریخ شفاهی است که با مستندات، تقویت شود. برای مثال، یک پایان‌نامه دکترای در

باب مشارکت دانش‌آموزان دبیرستانی اصفهان در انقلاب اسلامی داریم که با تعدادی از آن‌ها مصاحبه شده است. این افراد دارای اختلاف سلیقه و صحبت هستند. محققى که به عنوان مصاحبه‌گر انتخاب شده، تمام روزنامه‌ها و اطلاعیه‌های دولت و اسناد ساواک در مورد دانش‌آموزان اصفهانی را خوانده است. پس اسناد باید سؤالات و پاسخ‌های یک مصاحبه فعال را تأیید کند. نکته دیگر این است که وقتی با روایت‌هایی مبتنی بر تجربه فردی روبرو می‌شویم، روایت مشروط محسوب می‌شود. اگر یک شاهد داشته باشید، نمی‌توانید آن را تاریخ و یک روایت مسجل بدانید. در بعضی جاها مصاحبه کرده‌اید ولی تواتر و تجربه جمعی وجود ندارد. اگر راوی معتبر است و مشخصات لازم برای مصاحبه را دارد، می‌گوییم این حرف شما متین است. اما باید حرف‌های دیگری برای رد یا تأیید آن پیدا کنید. در این حالت می‌گوییم این روایت مشروط است؛ یعنی مسجل نیست. بنابراین مشکل جانبی تاریخ‌نگاری بر پایه تاریخ شفاهی، این است که نمی‌توانیم به طور مسجل درباره آن نظر بدهیم. اینکه می‌گوییم تاریخ شفاهی تاریخ آینده است، به این معناست که محصولات تاریخ شفاهی، به عنوان مستندات تاریخی، امروز مورد استفاده نیست. بیشتر برای کمک به مورخین فردا، تعدد نظر برای مورخان آینده و آزادسازی تاریخ است. یکی از دانشجویها، نزد من آمد. سؤالاتش را روی موبایل نوشته بود. گفتم: یکی از شکست‌های تو در مصاحبه، این است که من را نگاه نمی‌کنی. نباید کاری کنید که حواس مصاحبه‌شونده پرت شود. پرسش‌ها باید ملکه ذهن شما باشد. حسن پرسش باز، این است که قدرت مانور مصاحبه‌گر زیاد است. نباید مصاحبه را قطع کنید. شاید حرف‌هایی بزند که به درد پروژه‌های بعدی بخورد. بر اساس طرح‌تان، فهرستی از مصاحبه‌شوندگان تهیه کنید. ممکن است همه این افراد در نگاه اول، به درد ما بخورند، ولی وقتی وارد مصاحبه می‌شوید، می‌بینید بسیاری ادعا دارند که می‌دانند و بسیاری ادعایی ندارند. اگر احساس کردید چیزی برای گفتن ندارد، در کمال احترام خداحافظی کنید. میزان زمان مصاحبه بنا به توافق است. حدود یک تا یک ساعت و ربع کفایت می‌کند. حتی اگر مصاحبه‌شونده حال و حوصله هم داشت، بیشتر ادامه ندهید. ترجیح این است که با افراد، ۲ بار مصاحبه شود. اغلب یک‌بار مصاحبه می‌کنند اما سؤالات دیگری به نظرشان می‌آید و قول جلسه دیگری را هم می‌گیرند. توصیه می‌شود، دو ریکورد همراه داشته باشید. برای مصاحبه، سر وقت بروید. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که شما چه شخصیت قوی، درست و قابل اعتمادی دارید. اصالتاً توصیه می‌کنیم که مصاحبه، بدون دوربین باشد. چون دوربین، صحنه را کاذب کرده و ایجاد استرس می‌کند. دوربین، به شخصیت مصاحبه‌شونده شوک وارد می‌کند که نتواند راحت باشد. به همین دلیل توصیه نمی‌کنیم. ولی از آنجا که بعضی از ارگان‌ها و مؤسسات، سرمایه‌گذاری می‌کنند تا این مصاحبه‌ها را مستندسازی کنند، بنابراین فیلمبرداری جزو جلسات مصاحبه‌شان است. گروه فیلمبردار نباید مصاحبه را دچار وقفه کنند. دوربین قبلاً چک شده باشد.»

اصول عملی مصاحبه

سپس «دکتر معصومه گودرزی» دانش‌آموخته رشته تاریخ ایران اسلامی - گرایش محلی که رساله دکترای خود را بر پایه تاریخ شفاهی تدوین کرده، به تبیین نکات عملی در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی پرداخت و اظهار داشت: «روش‌های یک مصاحبه فعال چیست و چگونه می‌توانیم سوژه‌یابی کنیم و وقتی سوژه را پیدا کردیم، چطور می‌توانیم یک مصاحبه خوب داشته باشیم؟»



هر مصاحبه، چند رکن اصلی دارد که یکی از آن‌ها زمان است. وقتی می‌خواهیم مصاحبه‌ای انجام دهیم، باید به زمان و مکان آن توجه کنیم، چون جزو ارکان اصلی یک مصاحبه هستند. گاهی در مبحث زمان، به یک رخداد مشخص مانند انقلاب اسلامی اشاره می‌کنیم. وقتی به سال تولد شخص توجه داریم، یعنی به یک رخداد شناسنامه‌ای یا سجلی اشاره می‌کنیم. گاهی اوقات به یک نشانه خاص می‌پردازیم. مثل روزی که همه مردم برای تظاهرات در بهمن ۱۳۵۷ به خیابان‌ها آمدند. اما رکن مهم دیگر در مصاحبه، مکان آن است. یعنی مکانی که اتفاق در آنجا رخ داده است. اگر راوی، شاهد باشد و در آن مکان قرار گرفته باشد، با سؤالات بعدی‌ام او را به چالش خواهیم کشید تا اطلاعات بیشتری به من بدهد. سال ۱۳۹۲ با آقای دکتر نورایی با گروهی از صاحب‌نظران حوزه تاریخ شفاهی مثل آقای محسن کاظمی و آقای رسولی‌پور بودم. ایشان فرمودند وقتی می‌خواهم برای مصاحبه بروم، حتی عطر مصاحبه‌شونده را از قبل شناسایی می‌کنم. اینکه چطور لباس می‌پوشد و دیسپلین او چگونه است؟ چه ساعتی از خواب بیدار می‌شود؟ و غیره. سعی می‌کنم با خلیقات او آشنا شوم تا بدانم، چه زمانی برای زنگ زدن به ایشان مناسب است؟ اگر قرار است حضوری بروم، تمایل دارد در خانه یا محل کار حاضر شوم؟
قبل از آغاز مصاحبه، یک سری تدارکات نیاز داریم. یک ریکوردر باید با خود ببرم. شارژ ریکوردر را چک می‌کنم. مکان مصاحبه هم از نظر فیزیکی، باید محیطی امن و آرام باشد. از نور کافی برخوردار بوده و هوای فضا، مطبوع باشد. چون این مسائل، روی مصاحبه‌شونده تاثیر می‌گذارد.

حتماً یک قلم و کاغذ با خودم می‌برم. وقتی برای مصاحبه می‌روید، بهتر است سخاوتمند باشید و یک جعبه شیرینی یا شاخه گل ببرید که شخص راوی را سر شوق بیاورید. گشاده‌رو باشید و سعی کنید اعتماد طرف مقابل را جلب کرده تا اطمینان داشته باشد که شما یک مصاحبه‌گر هستید؛ نه فردی که قصد میچ‌گیری دارد. نباید تصور کند که می‌خواهید، اطلاعاتش را استخراج و از آن سوء استفاده کنید. قبل از روشن کردن ریکوردر، از راوی اجازه بگیرید. قبل از آن، هر چیزی که ممکن است ایجاد مزاحمت کند یا ذهن شما و راوی را منحرف کند، مدنظر داشته باشید؛ مثل خاموش کردن تلفن همراه. هر مصاحبه‌ای برای تبدیل شدن به سند، باید حتماً زمان و تاریخ داشته باشد. در ابتدای مصاحبه چندمین جلسه از مصاحبه با فلان شخص، نام مصاحبه‌کننده، تاریخ، زمان و مکان

دقیق مصاحبه را ذکر کرده و سپس مصاحبه را آغاز می‌کنید. در انتها هم زمان اتمام مصاحبه را ذکر می‌کنید.

توجه داشته باشید که یک مصاحبه باز، بسته یا نیمه‌باز دارید؟ در مصاحبه باز، به راوی اجازه می‌دهید که ذهنش به هر کجا برود و سؤالات مشخصی ندارید. در واقع مصاحبه‌شونده، هر چه می‌خواهد می‌گوید. اما اگر بخواهیم راوی فقط درباره یک اتفاق صحبت کند، این به مهارت شما برمی‌گردد تا با ظرافت، مهارت خاص و سؤالات دقیق، راوی را به قبل از واقعه ببرید. اگر متوجه شدید که مصاحبه‌شونده حرفی برای گفتن ندارد یا به بی‌راهه می‌رود، باز هم به مهارت شما برمی‌گردد که چگونه او را با احترام زیاد، دوباره به سر نقطه‌ای ببرید که مدنظر شماست و خروجی مطلب را به دست بیاورید. اگر احساس کردید راوی خسته شده و ممکن است حرف‌هایش از فرط خستگی مفید واقع نشود، می‌توانید محترمانه بگویید: «اگر احساس می‌کنید بهتر است مصاحبه را به زمان دیگری موکول کنید، خوشحال می‌شوم در جلسه دیگری، مجدد در خدمت شما باشم» و مصاحبه را تمام می‌کنید. گاهی مصاحبه‌شونده، یک سری چارچوب‌ها و محدودیت‌هایی دارد که نمی‌توان پا را فراتر از آن گذاشت. در حین مصاحبه، نباید بین کلام راوی برویم. باید شنونده خوبی باشیم. بی‌احساس و بی‌توجه، به حرف‌های او گوش ندهیم. با تکان دادن سر، با نگاه چشمی و گفتن «بله»، «عجب» و غیره، این حس را در راوی ایجاد کنیم که به حرف‌هایش گوش می‌دهیم و برایش اهمیت قائلیم. یک مصاحبه‌گر خوب، باید از تیزبینی و تیزهوشی خوبی برخوردار باشد. همانطور که شنونده خوبی هستیم، باید گوینده خوبی هم باشیم. باید بدانید چگونه با راوی صحبت کنید تا او را سر شوق بیاورید که اگر قصد دارد بعضی از حرف‌هایش را نزند، از این منظور صرف نظر کند. این‌ها قوانین اصلی مصاحبه هستند.»
